

تجلی عدالت اجتماعی در ساختار شهر اسلامی (محلّه)

دکتر لیلا رحیمی*، دکتر محمد نقی زاده**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۰۶، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۵/۰۴

چکیده

آرمان شهر اسلامی در پیروی از کلام پروردگار، سنت پیامبر و روایات معصومین به برقراری عینی عدالت و نیز قرار دادن مناسب هر چیز در جای خود و خلق فضاها با اندازه‌های مناسب اقدام می‌نماید. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی در پی دستیابی به هدف اصلی خود، یعنی تجلی عدالت اجتماعی در ساختار شهر اسلامی به ویژه محلّه می‌باشد. نتایج تحقیق پس از مطالعه منابع مختلف نشان می‌دهد که برای تجلی عدالت اجتماعی در ساختار شهری، توجه توأم به سه وجه شهروندان، کالبدشهر و مدیریت شهری ضروری است. محلّه به عنوان ساختار اصلی شهر اسلامی، می‌تواند با رعایت عدالت فردی و اجتماعی بین ساکنان محلّه و رعایت مفاهیم تعادل، هماهنگی و توازن در اجزاء و فضاهای محلّه و نیز رعایت حقوق قانونی افراد محلّه از خدمات و تسهیلات عمومی محلی توسط نظام مدیریت محلّه، زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی را در خود مهیا سازد.

واژه‌های کلیدی

عدالت اجتماعی، شهر اسلامی، محلّه، تعادل و هماهنگی

Email: l.rahimi@tabrizu.ac.ir

* استادیار، گروه معماری دانشکده عمران، دانشگاه تبریز، (مسئول مکاتبات)

** استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

Email: dr_mnaghizadeh@yahoo.com

مقدمه

و آن محدود نبودن به زمان و نداشتن جغرافیای خاص است که مفهوم امت اسلامی را تعریف می کند (بمات، ۱۳۶۹، ۱۱).
برنامه ریزی شهری در چارچوب شهرهای اسلامی خود را ملزم به توزیع عادلانه منابع و فعالیتها در محیط مدنی می دانست. استقرار و مکانیابی مناسب هر عنصر از فضای شهری و ارتباط منطقی و مناسب آنها با یکدیگر موضوعی است که ریشه در رعایت عدالت دارد. توزیع عادلانه امکانات شهری و امکان دسترسی ساکنین آنها مورد مهم دیگری است که نشانه عدل در شهر است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۰).

تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به سؤال اصلی می باشد: زمینه های تحقق عدالت اجتماعی در ساختار شهر اسلامی به ویژه محله چیست؟ چه مصادیقی وجود دارد؟ بنابراین ساختار تحقیق با هدف تجلی عدالت اجتماعی در ساختار محله، ابتدا بر شناخت مفهوم عدالت و عدالت اجتماعی در متون اسلام و از دیدگاه متفکران آرمان شهر می پردازد، پس از بررسی راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی در جامعه و مصادیق آن در معماری و شهرسازی، زمینه تحقق عدالت اجتماعی در محله و وجوه متشکله آن، فراهم می گردد.

روش تحقیق

روش تحقیق در مقاله حاضر مبتنی بر مطالعه اسنادی می باشد که بر اساس مرور مستندات مربوط به پژوهش های بارز و جدید در زمینه عدالت اجتماعی و بیان دیدگاه های نظری مختلف پیرامون این موضوع و تبیین مفهوم عدالت اجتماعی بر اساس متون اسلامی، راهکارهای تحقق آن و مصادیق اجرای عدالت در مباحث معماری و شهرسازی به خصوص در شهر و محله صورت گرفته است. تحقیق به روش کیفی و توصیفی - تحلیلی است و با روش استدلال منطقی به نحوه تجلی عدالت اجتماعی در ساختار شهر و استخراج دیاگرام و نمودارهای مربوط پرداخته می شود و امکان واکاوی مفهوم عدالت را در مواجهه با کالبد و ساختار شهر فراهم می آورد.

مفهوم عدالت و عدالت اجتماعی

عدالت در لغت به معنای استقامت چیزی، مستقیم بودن، مساوات، داد، انصاف، حکم حق، میزان و امر متعادل آمده است و در اصطلاح حد واسط میان افراط و تفریط است (نقی زاده، ۱۳۸۵، ۱۳۶). در عرصه فردی بحث از نوعی تعادل شخصیتی و توازن در رفتار و کردار است و در جوامع بشری نیز مولد استقامت، برابری، اعتدال و آزادی است. مطهری برای عدل چهار معنا یا مورد استعمال مطرح نموده است: موزون بودن و تعادل (مطهری، ۱۳۷۷، ۷۲)، تساوی و نفی هر گونه تبعیض^۱ (مطهری، ۱۳۷۲، ۳۱۷)، رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق به ذیحق (مطهری، ۱۳۷۷، ۸۲)، رعایت قابلیت ها در افاضه وجود و عدم امتناع از افاضه و رحمت به آنچه امکان

تجلی جامعه ای در خور حیات انسان و دور از بدی ها و زشتی ها در قالب اندیشه هایی با نام های مختلف؛ مدینه فاضله و آرمان شهر مورد توجه بوده است. ویژگی هایی چون شهر عدالت، شهر برپایی قسط و عدل، شهر طهارت و پاکی و شهر امن از جمله صفات و ویژگی های خاص «آرمان شهر اسلامی» است (اصیل، ۱۳۷۱، ۱۳۸). برای شناسایی مدینه فاضله در تفکر اسلامی، گذشته از تعالیم قرآنی، سخنان و مشی امیرمومنان علی (ع) نیز مشحون از موضوعاتی است که در رأس آن عدل قرار دارد. عدالت در عرصه بشری بر دو قسم اجتماعی و فردی می باشد که بعد اجتماعی آن اهمیت بیشتری دارد. یکی از بارزترین و مهم ترین فضایل و ارزش های آدمیان به عنوان اصول خدشه ناپذیر زندگی در تاریخ بشری، «عدالت اجتماعی» است؛ در رابطه با نقش انگاره عدالت اجتماعی در نیل به اهداف طراحی شهری پایدار، براندا و رابرت ویل در کتاب «معماری سبز» از انگاره های با عنوان احترام به کاربران که جنبه اجتماعی طراحی شهری پایدار و عدالت اجتماعی را به ذهن متبادر می سازد، برای طراحی پایدارتر محیط نام می برند (چپ من، ۱۳۸۴). باززنده سازی شهری تنها از طریق التفات به مفهوم عدالت در ارائه تسهیلات و خدمات در سطوح شهرها و متناسب با نیازهای شهروندان در برخورداری از این خدمات می باشد. مهم ترین عنصر و عامل پدیدآورنده شهر، انسان یا اهل شهر است که در دو گروه اصلی «شهروند» و «مدیر شهر» قابل طبقه بندی است، سپس قوانین و مقررات و رفتار و اخلاق اهل شهر می باشد که رابطه اهل شهر و همه اجزاء شهر را با یکدیگر، با طبیعت، با ساخته های انسان و با هستی در قلمروهای مختلف معنوی و مادی حیات تنظیم می کنند. برای ظهور «شهر اسلامی»، هم پوشانی سه عنصر به عنوان ارکان آن ضرورت دارد: فضای فکری (تفکر توحیدی)، فضای عملی (قوانین اسلامی) و فضای عینی یا کالبدی (آثار اسلامی). می توان ایمان اهل یک شهر را مهم ترین عامل شکل دهنده شهر اسلامی نامید.

شهر اسلامی برگرفته از فرهنگ ذهنی و تفکر غنی اسلامی است که نمود عینی یافته است. این شهر با انعطاف چشمگیر خود در حکم الگوواره ای است که می تواند در هر عصری در روح آن زمان توسعه یابد و در عناصر آن جلوه نماید. شهر اسلامی تنها اصول نیست که فقط آنها را در معماری و شهرسازی لحاظ کرد، بلکه این تفکر فراتر از آن قدم برداشته و تبدیل به ذهنیتی شده است که سازندگان و توسعه دهندگان شهر را بر آن داشته است تا شهری اسلامی ساخته و الزامات محیطی را بر آن منطبق سازند (اسدی محل جالی، ۱۳۹۲). شهر اسلامی عبارت است از نمایش فضایی شکل و ساختمان اجتماعی، که بر اساس ایده آل های اسلامی، فرم های ارتباطی و عناصر تزئینی خود را در آن وارد کرده است. اما فراتر از مفهوم اجتماعی، اصل دیگری بر جامعه مسلمانان حاکم است

شده، بحث عدالت است که معرفت به قانون را شرط عدل می‌داند. هرگاه علم به قواعد حاکم بر روابط مردم با یکدیگر شد، عدالت است (سوادکوهی، ۱۳۷۹، ۶). آرمان شهر ارسطو، شهری که از مشاهدات و واقعیت‌های مبتنی بر مفهوم ارسطو از کل و جزء و ارتباط متقابل آنها است، شهری است که در آن رکن اساسی، یعنی سعادت فرد به مثابه جزء و سعادت جامعه، کل است که البته این سعادت بر مبنای اعتدال و میانه روی باید باشد. ارسطو حکومت متوسط بر شهر، کشور و مردم را مطمئن‌ترین و معتدل‌ترین نوع حکومت‌ها می‌داند، اندازه شهر او نه خیلی بزرگ است که نظم نپذیرد و نه خیلی کوچک که افراد بتوانند خصایص یکدیگر را بشناسد، جمعیت شهر او تا حدی است که خود کفا باشد (همان، ۱۴).

اگوستین مدینه فاضله خود را در کتاب «شهر خدا» ترسیم نمود و صلح و عدالت‌خواهی را دو ویژگی مدینه خود می‌داند که تحقق آن جز با این دو، میسر نیست. در اندیشه سیاسی ابن سینا نیز نوعی آرمانشهر به نام «مدینه عادلانه» مطرح شده است که از نظر وی رهبر جامعه باید چهار شرط را دارا باشد: (۱) دلیری؛ (۲) اعتدال؛ (۳) حسن تدبیر؛ (۴) خردمندی.

در آثار نظامی چون مخزن الاسرار، توجه او به عدالت و آرمان انسانی جایگاهی ویژه دارد. در این کتاب به کرات از داد و دادگری سخن گفته و به عنوان نمونه در داستان حاکم ستمگر و پیر راستگو، ستمگر و ستمکش همیشه در تقابل‌اند. در این جدال، همواره ستمگر بازنده و فضیلت کرامت انسانی برنده و سربلند است (همان، ۳۲).

عدالت در متون اسلام

«لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط». «سوگند که ما پیامبران خویش را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو فرود آوردیم که میان مردم به عدالت قیام کنند» (سوره حدید، آیه ۲۵).

از نظر علی (ع) آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد و به پیکر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد، عدالت است. عدالت بزرگراهی است عمومی که همه را می‌تواند در خود بگنجاند و بدون مشکلی عبور دهد، اما ظلم و جور کوره راهی است که حتی فرد ستمگر را به مقصد نمی‌رساند (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۲۸). «فإن فی العدل سعة و من ضاق علیه العدل فالجور علیه أضيقت». «همانا در عدالت گنجایش خاصی است؛ عدالت می‌تواند همه را دربرگیرد و در خود جای دهد، و آن کس که بیمار است اندامش آماس کرده در عدالت نمی‌گنجد، باید بداند که جایگاه ظلم و جور تنگ‌تر است» (همان، ۱۲۹). حضرت علی(ع) درباره عدالت می‌فرماید: «عدالت تدبیرکننده‌ای است به سود همگان و بخشش به سود خاصگان پس عدل شریفتر و با فضیلت تر است». عدل بر چهار شعبه منشعب می‌شود: (۱) فهم عمیق؛ (۲) علم و

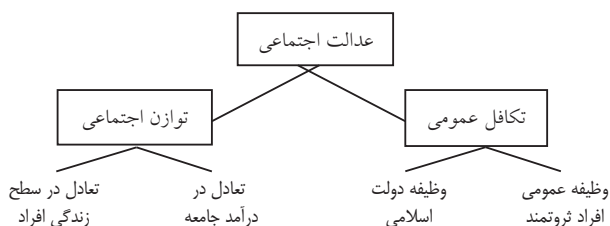
وجود یا کمال دارد^۲ (لک زایی، ۱۳۸۱، ۱۱۲). مطهری می‌نویسد: «معنای عدالت این است که امتیازاتی که نصیب افراد می‌شود بر مبنای صلاح و استحقاق باشد» (مطهری، ۱۳۵۷، ۲۳۹). طباطبایی نیز در تعریف عدالت می‌فرماید: «عدالت در لغت به معنی اعتدال بین عالی و دانی و میانه بین دو طرف افراط و تفریط است» و در جای دیگر نقل می‌کند که «آراسته‌ترین مکان‌ها آنجاست که در آن عدالت باشد و از آن آبادتر نخواهی یافت» (طباطبایی، ۱۳۶۱، ۲۵). «عدالت یعنی به هر کدام از غرایز و پیوندها و امیال و نیازها، به اندازه طبیعی‌شان، زندگی بخشیدن و مجال حیات دادن و میان این همه رابطه‌ای متناسب و متعادل برقرار کردن و در یک کلمه، یعنی اعتدال، میانه روی» (شریعتی، ۱۳۵۹، ۴۲۸). از نظر مطهری ارکان عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلام (شکل ۱) بر روی دو اصل می‌باشد:

- تکافل عمومی: در برابر یکدیگر مسئول و متعهد بودن، گذشتن از منافع صرف فردی و اندیشیدن به مصالح همگانی.
- توازن اجتماعی: ایجاد برابری و تعادل در تمام ابعاد زندگانی اجتماعی برای تمام افراد و اقشار جامعه یعنی قدرت، ثروت، امکانات.

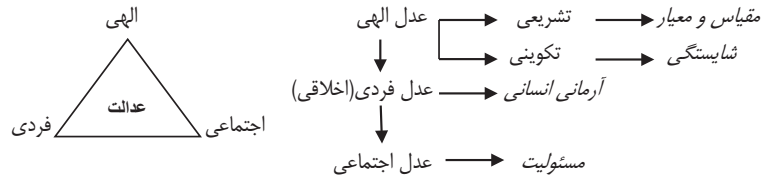
عدالت از دید متفکران آرمان‌شهر

اندیشه آرمانی، مدینه فاضله و اتوپیا همواره در اندیشه آدمی بوده‌است. به‌ویژه عدالت که در اندیشه‌های آرمانی اندیشمندان و متفکران آرمان‌شهر ذکر گردیده است. افلاطون، عدل را به عنوان اصل بنیادین مدینه فاضله خویش مطرح نموده و در مورد آن می‌گوید: «جامعه خود را بدین منظور تأسیس نکرده‌ایم که طبقه‌ای را نیکبخت‌تر از طبقات دیگر بکنیم. بلکه هدف ما نیکبختی تمام جامعه است، و معتقدیم که عدالت را تنها در چنین جامعه‌ای می‌توان یافت، همچنان که ظلم در جامعه‌ای حکم می‌راند که به وصفی ناپسند اداره شود» (افلاطون، ۱۳۵۳، ۱۷۶). وی عدالت را مادر همه فضایل اخلاقی می‌داند و معتقد است که عدالت رشد دهنده و اصلاح کننده جامعه است و افراد جامعه را به وفاق و همدلی می‌رساند.

به عقیده سقراط سعادت هر کس در این است که وظایف خود را نسبت به دیگران درست انجام دهد. نکته مهمی که در فلسفه سقراط به آن پرداخته



شکل ۱. ارکان عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلام



شکل ۲. انواع عدل در تعالیم اسلامی

مطهری عدالت را دارای تأثیر مستقیمی بر اخلاق مردم دانسته و لذا وجود آن را در هر سه مرحله فکر و عقیده، اخلاق فردی و رفتار مؤثر می‌داند.

۱. مصادیق اجرای عدالت در مباحث معماری و شهرسازی

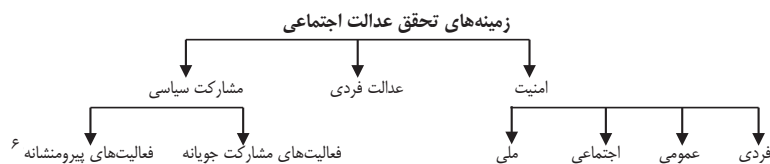
نقش عدل در ایجاد شهر مناسب زیست مسلمان و تداوم حیات آن، نقشی بسیار حساس و حیاتی است، رعایت عدل در ایجاد یک مجموعه عبارت است از انتخاب مکان و واگذاری نقشی خاص به هر عضو مجموعه شهر، ساختمان یا هر اثر انسانی به گونه‌ای که بهتر از آن ممکن نباشد، شکل ۴ ارتباط بین عدالت اجتماعی و ارکان شهر اسلامی شامل فضاهای فکری و رفتاری را نشان می‌دهد که در فضای عینی شهر اسلامی تجلی می‌یابد. بنابراین می‌توان مفاهیمی چون تعادل، هماهنگی و اندازه را از مصادیق و تجلیات بارز عدل در مباحث معماری و شهرسازی نام برد که در ذیل به آنها پرداخته می‌شود.

تعادل: توازن و تعادل در مجموعه‌های زیستی مفهومی پیوسته و متعلق به زمان، مکان و شکل خاصی نیست (برومندی، ۱۳۷۵، ۵۷۲). یک مجموعه یا کالبد متعادل، مجموعه یا کالبدی است که انتظام آن بر اساس رعایت اصل «عدل» انجام شده باشد. بورکهارت عنوان می‌کند که سه صفت «وحدت»، «عدل» و «کرم» وجوه اصلی زیبایی‌اند و تقریباً زیبایی را معنی می‌کنند و این کیفیات را «وحدت»، «هماهنگی و توازن» و «کمال» می‌نامند، چرا که در ساحت هنر، «عدالت» به «توازن و تعادل» می‌انجامد (بورکهارت، ۱۳۷۲، ۵۴). مرحوم علامه طباطبائی نیز با معنا کردن انسانیت به عنوان تعدیل قوای مختلف انسان در نهایت آنها را به عدالت ارجاع داده و می‌فرماید: «معنای انسانیت به واقع کلمه جز با تعدیل قوای مختلف و بردن هر کدام به راه میانه مشروع، به دست بشر نمی‌آید، و ملکه اعتدال قوی همانیست که ما به نام اخلاق فاضله انسانی چون حکمت و شجاعت و عفت می‌نامیم و همگی زیر کلمه «عدالت» جمعند»

دانش به حقایق؛ (۳) دآوری نیکو؛ (۴) بردباری استوار (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۲۵). برای بررسی مفهوم عدالت شاخص‌های برابری و مساوات^۳، اطاعت از قانون^۴ و قرار گرفتن هر کس در جایگاه شایسته خود^۵ در نظر گرفته می‌شود. با عنایت به انواع عدل مطرح شده در تعالیم قرآنی و نهج البلاغه (شکل ۲) که عبارتند از عدل الهی (شریعی، تکوینی)، فردی (اخلاقی)، اجتماعی. می‌توان به این اصل اساسی دست یافت که پایه و اساس جهان بینی قرآنی را عدل تشکیل می‌دهد. در این راستا عدل الهی زیربنای عدالت فردی و عدالت فردی زیربنای عدالت اجتماعی است. عدل قرآن، آنجا که به توحید یا معاد مربوط می‌شود، به نگرش انسان به هستی و آفرینش شکل خاصی می‌دهد (جهان بینی)، در موضوع نبوت و تشریح و قانون، یک «مقیاس» و «معیار» قانون شناسی، در امامت و رهبری، «شایستگی» و در اخلاق فردی، «آرامانی انسانی» و در اجتماع، یک «مسئولیت» است (همان، ۱۲۸).

۱. راهکارهایی برای اجرای عدالت در جامعه

مواردی را که مانع اجرای عدالت در جامعه می‌گردد، می‌توان با عناوین زیر نام برد: (۱) عدم مطالبه ارزشمند عدالت از سوی شهروندان؛ (۲) نهادینه نشدن ارزش عدالت در میان حاکمان؛ (۳) کمبود آگاهی (متضاد علم به قواعد و معرفت به قانون)؛ (۴) کوتاه بینی و شخصی اندیشی (مخالف مسئول و متعهد بودن در برابر منافع فردی و جمعی) (غنی‌زاد، ۱۳۷۶، ۴۶). زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی از دیدگاه علی (ع) طبق شکل ۳ عبارتند از: (۱) امنیت؛ (۲) عدالت فردی؛ (۳) مشارکت سیاسی. راه‌های تحقق عدالت در جامعه از دید مطهری: (۱) رعایت حقوق توده ملت و احترام به حق حاکمیت؛ (۲) مسابقه بقاء؛ (۳) ایمان و عمل به قانون؛ (۴) احیاء معنویت اسلامی؛ (۵) رفع اجبار و اعطاء مال به رضایت؛ (۶) نظارت دولت در امور اقتصادی در کنار آزادی سیاسی جامعه (مطهری، ۱۳۶۱، ۳۸).



۳. زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی

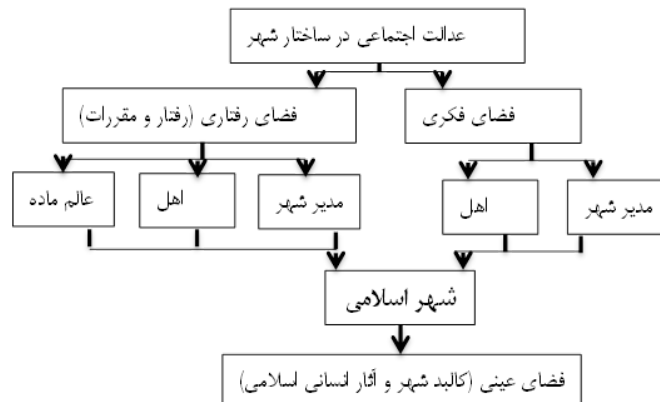
(طباطبایی، ۱۳۴۶، ۱۴۶).

و عملکردها، هماهنگی شهر با اصول و ارزش‌های معنوی و هماهنگی آن با ویژگی‌های روانی و جسمی انسان و با اهداف زندگی آن بایستی به نحوی مورد توجه قرار گیرند تا حاصل کار تجلیگاه وحدتی باشد در عین کثرت (همان، ۱۹۴). در واقع طبیعت و ویژگی‌های آن از جمله اندازه و حساب دقیقی که بر آن حکومت می‌کند، به عنوان آیات الهی می‌توانند الگویی مطلوب برای شناخت ویژگی‌های ریاضی شهر اسلامی باشند. از مصادیق عدالت در موضوعات معماری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: رعایت تناسبات بین اجزاء فرم و پلان؛ رعایت تناسبات در رابطه اجزاء پلان؛ تغییر هارمونیک خط افق به‌وجود آمده در بناها با رعایت «عدل» در میزان بلندی و عریض بودن آنها؛ مقدار مساحت هر جزء پلان با توجه به میزان و نوع استفاده از آن؛ استفاده به جا و مناسب (عادلانه) از نقوش هندسی و رنگ‌های متنوع.

نمونه‌ای از عدل در معماری سنتی ما؛ ترکیب متعادل و متوازن عملکردهای مختلف، از قبیل ارتباط واحدهای مسکونی با یکدیگر و با سایر واحدهای خدماتی، و در نهایت تناسب آنها با مراکز مذهبی و عبادی، به گونه‌ای که در مجموع مفهوم رسیدن از کثرت به وحدت را کاملاً تداعی می‌نماید. مهم‌ترین قسمت رعایت عدل در معماری در نظر گرفتن جایگاه حقیقی انسان در طرح است، و این که فضای مصنوعی طوری مکمل فضای طبیعی طراحی شود که بنا و ساختمان ضمن تأمین متناسب و عادلانه نیازهای مادی انسان‌ها، بستر و زمینه مناسب رشد و کمال روحی آنها را فراهم آورد و در همه موارد، انسان اصل باشد و بنا و ساختمان وسیله (رحیمی، ۱۳۸۷).

عدالت اجتماعی در ممله

محلّه از سه وجوه کالبد محلّه، ساکنان محلّه (محلّه وند) و مدیریت محلّه تشکیل شده است که هر یک از این وجوه در جهت تحقق عدالت اجتماعی مورد مذاقه و بررسی قرار می‌گیرد (شکل ۷):



شکل ۴. ارتباط عدالت اجتماعی و فضاهای سه گانه فکری، رفتاری و عینی به عنوان ارکان شهر اسلامی

اهمیت تعادل در پدیده‌ها به حدی است که نه تنها رعایت آن در تنظیم روابط اجزاء هر پدیده ضروری قلمداد می‌شود که فراتر از آن ایجاد تعادل بین قوانین حاکم بر آنها نیز از ضروریات توفیق در اهداف خلق پدیده‌ها تلقی می‌گردد. چنانچه بورکهارت می‌گوید: «معماری باید اعتدال متوازن را نشان دهد و باید مانند یک بلور که بصورت صحیح شکل یافته است، یک نمونه کامل از ماده بیجان و حیات باشد» (بورکهارت، ۱۳۷۲، ۵۴). و کنفوسیوس اظهار می‌دارد: «میان‌ه روی و اندازه نگاه‌داشتن، کمال طبیعی آدمی است» (کنفوسیوس، ۱۳۵۷، ۴۹).

مصادیق تعادل در طراحی محیط مصنوع را می‌توان در موارد ذیل ذکر کرد (شکل ۵):-- از طریق پیشگیری از قطب بندی شهر و محلات آن بر پایه معیارهای مادی؛ دسترسی متناسب کلیه آحاد جامعه به امکانات عمومی؛ مکانیابی مطلوب عناصر شهری و مجاورت متناسب و متجانس آنها از نظر کالبد و عملکرد؛ تناسبات مطلوب بین ابعاد فضا و کالبد آن با ویژگی‌های روانی و جسمانی انسان؛ ایجاد تعادل بین طبیعت و مصنوع انسان؛ ایجاد تعادل بین عملکردهای پاسخگو به نیازهای معنوی و مادی انسان؛ تسهیل و تعدیل در ارتباط انسان با طبیعت (تقی زاده، ۱۳۸۵، ۱۸۷).

هماهنگی: مراد از هماهنگی، تنظیم انواع ارتباطات دو یا چند شی، معنا به گونه‌ای که منافی ارزش‌ها و عملکرد یکدیگر واقع نشوند و در راستای حصول به هدفی که ارتباطات آنها را به‌وجود آورده است، یکدیگر را یاری و تأیید نمایند. شکل دادن اشیاء مطابق با طبیعت و فطرت آنها نوعی از هماهنگی است که توجه به آن حاصلی زیبا خواهد آفرید. در شهرسازی، مبانی ارزش‌های فرهنگی، شکل، کالبد و عملکرد شکل‌دهنده فضاها، هماهنگی ویژه‌ای را طلب می‌نمایند تا کل شهر، پدیده‌ای منظم و متعادل را به منصه ظهور برساند. طبق شکل ۶ هماهنگی کالبد و ارزش‌ها با هماهنگی فضاهای شهر و نیازهای انسان، هماهنگی کالبد شهر و طبیعت، هماهنگی اجزاء شهر با یکدیگر و با کل شهر، هماهنگی ارزش‌ها

هویت محله‌های شهری می‌توان مواردی چون تعاملات انسانی، حافظه تاریخی (خاطره)، رفتارها و هنجارها، فرهنگ، هنر و سلیقه را نام برد.

کالبد و اجزای محله

محله هنوز هم منبع مهم تجربه اجتماعی شدن است و شواهد بسیاری را می‌توان درباره نقش آن در انتقال موارث طبقاتی، محدود کردن فرصت تحرک اجتماعی و هموزنیزه شدن تجارب زندگی افراد ارائه کرد (خاتم، ۱۳۷۵، ۷۳). اجزای محله شامل کوچه‌ها، بن‌بست‌ها، گذرها، مراکز محلات و تأسیسات عمومی نظیر عبادتگاه‌ها، مکان‌های ورزشی و قهوه خانه‌ها، فضاهایی همچون بازارچه، مساجد، حمام‌ها، سقاخانه‌ها به خاطر تأمین نیازهای ساکنان هر محله به وجود آمده و در واقع به زندگی آنها استقلال نسبی در درون نظام شهری بخشیده است (پورجعفر، ۱۳۷۶، ۵۵).

محله در دوران حیات پررونق خویش، مجموعه‌ای متوازن را می‌آفریند که با اسکلت‌بندی اصلی خود، بازارچه‌ها، محورهای مجهز، میدان‌ها و مراکز محله‌ای خود بسیار خوانا و گویا است و ویژگی‌های آب و هوایی، اقلیمی، توپوگرافی و پارامترهای اجتماعی و فرهنگی خاص منطقه با آن تلفیق شده و آن چنان درهم تنیده می‌شوند که نوعی معماری ارگانیک محله‌ای پدید می‌آید که در ابعاد گوناگون متوازن است. اما امروزه به عنوان مثال ناموزونی تهران به صورت تفاوت‌های محله‌ای در شکل سکونت، در نحوه اشتغال، در سطح درآمدها و نظایر آن تبلور یافته است (رئیس دانا، ۱۳۷۵، ۷۳). روش‌های گوناگون برای نیل به هدف ایجاد نظام تعاملی به عنوان نیروی سازمان‌دهنده عناصر استخوان‌بندی محله را می‌توان شامل: ایجاد، تقویت و تداوم محور اصلی؛ ایجاد شبکه‌ای از مراکز؛ تعادل فضایی و توازن کالبدی و ایجاد وحدت شکلی از طریق پیمون‌بندی؛ ترکیب عملکردها برای ایجاد وحدت فضایی و بصری؛ ایجاد نشانه‌ها و نمادهای شهری به عنوان عوامل ارتباطی؛ ایجاد عرصه عمومی به عنوان بستر روابط اجتماعی؛ تنظیم سلسله مراتب فضایی؛ تنظیم گذر اصلی پیاده رو نام برد. بافت کالبدی محله به عنوان تبلور فضایی شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه از انسجام و پیوستاری خاص برخوردار بود. ریخت شناسی اصلی در ساختار یک محله با شکل‌گیری تدریجی عناصر آن طی زمان شکل می‌گرفت

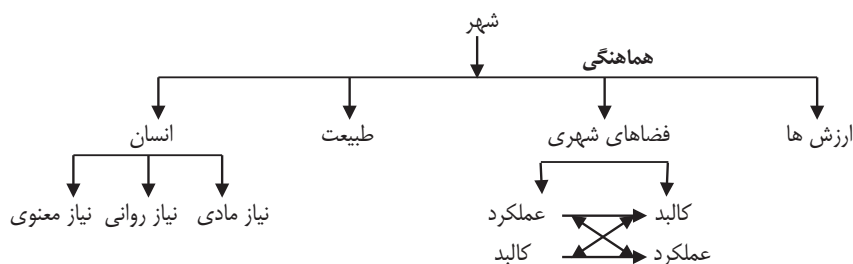
- توجه متعادل به ساحت‌های حیات: تعادل بین نیازهای سه گانه انسان (فیزیکی، روانی، معنوی)؛ مکانیابی متوازن و هماهنگ عملکردهای پاسخگو به نیازهای مختلف انسان؛ ارتقاء آگاهی و دانش جامعه نسبت به ابعاد وجودی خویش به طور متعادل. به عنوان نمونه در مجموعه نقش جهان کلیت شهرسازی به عنوان واحد عمل می‌کند و نشان‌دهنده هویتی به‌هم پیوسته و به عنوان منظومه‌ای از نمادها است (حبیب، ۱۳۸۸، ۹۰).

- تعادل در احقاق حقوق ساکنین: استفاده از هوای سالم و نور کافی؛ توجه به هم‌جواری کاربری‌های شهری متجانس؛ ملحوظ داشتن شرایط اقلیمی و محیطی در طراحی و برنامه ریزی؛ عدم تداخل پیاده و سواره و ایمنی حرکت در معابر و فضاهای عمومی؛ فقدان تبعیضات و پیشگیری از قطب بندی‌های نامتعادل از جنبه‌های اقتصادی و دسترسی به امکانات عمومی.

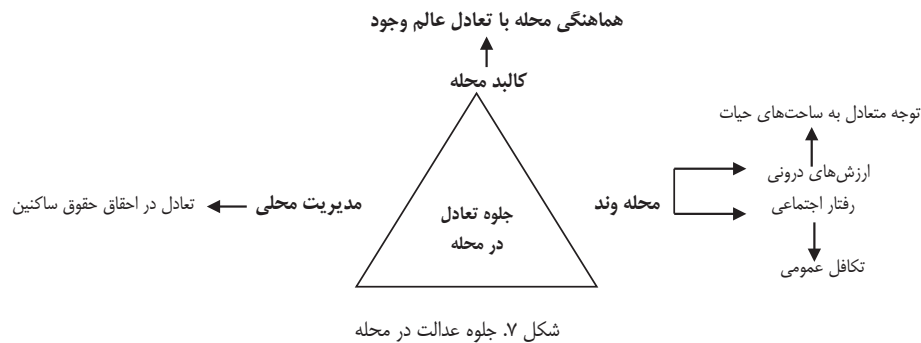
- هماهنگی محله با تعادل عالم وجود: تعادل بین محیط طبیعی و مصنوع؛ تعادل بین اجزاء محیط مصنوع از نظر شکل، عملکرد، تداوم تاریخ و ... (امین زاده و نقی زاده، ۱۳۸۱، ۲۵).

ساکنان محله (محله وند)

عدالت حق مدار با تمهید شرایط دستیابی همه آحاد جامعه به حق خود در برخورداری از امنیت کامل، رفاه نسبی، و آگاهی کافی تجلی می‌یابد و تحقق آن، مستلزم در نظر گرفتن و طراحی رویه‌ها و فراگردهای مناسب برای تنظیم خط مشی، اجرا و ارزیابی آن است (پورعزت، ۱۳۸۵، ۳۱). محله‌های شهری یکی از کانون‌های خرد و ملموس شکل‌گیری هویت‌های فرهنگی و تعلق اجتماعی هستند، مشارکت ساکنان یک محله در جهت بهبود کیفیت زیست خود، در گرو وجود احساس تعلق به فضای محله است. وجود فضاهای خاطره انگیزی در محلات همچون پاتوق‌های محله‌ای و یا گذرهایی خاص همراه با تنوع فعالیت‌ها- همجواری فعالیت‌های سکونت، فضاهای مذهبی، تجاری و فضاهای برگزاری مراسم مذهبی و اعیاد- می‌تواند احساس تعلق به فضاهای محله را تکمیل کند.^{۳۳} نیازهای ساکنان محله (در ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی) عبارتند از: امنیت و ایمنی محله، یادگیری و توانمند شدن در حوزه محله‌ای، رفاه و مشارکت و خودمختاری ساکنان محله. از مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده



شکل ۶. هماهنگی در ارتباط بین ارزش‌ها، فضاهای شهری، طبیعت و انسان



شکل ۷. جلوه عدالت در محله

– دسترسی همه افراد محله به میزان حداقل کمی و کیفی تعریف شده‌ای از خدمات، تأسیسات، تسهیلات و زیرساخت‌های شهری از جمله خدمات درمانی و امداد رسانی، خدمات آموزشی و فرهنگی، تفریحی و ورزشی.

که نتیجه آن تکامل تدریجی محله بود. این ساختار بیانگر نظام اجتماعی و فرهنگ شهرنشینی آن دوران بود، بنابراین کالبد محله را می‌توان کاملاً متأثر از فرهنگ ساکنان آن محله قلمداد نمود (قلمبر دزفولی، ۱۳۹۱، ۲۲).

نتیجه‌گیری

با مطالعه تعالیم اسلامی، امکان شناخت و تدوین معیارهایی برای جملگی فعالیت‌های جامعه اسلامی، از جمله معماری و شهرسازی فراهم است، از مهم‌ترین و بارزترین مفاهیم برگرفته از تجلی عدالت در معماری فضاهای شهری تعادل، هماهنگی و اندازه می‌باشد که رعایت آنها نه تنها در کالبد و فضاهای شهری، بلکه در حفظ تمامی جنبه‌های مختلف وجودی شهروندان و مدیران و برنامه ریزان شهری الزامی است. بنابراین اسلام در تحقق عدالت اجتماعی با دو اصل بزرگ: وحدت همه جانبه، متناسب و متعادل و تکافل عمومی بین افراد و اجتماعات پیش می‌رود و برای رسیدن به توسعه عدالت اجتماعی در جامعه، به مدیران شهری و شهروندانی نیاز می‌باشد که مقید به احقاق حقوق شهروندان و حفظ تعادل در ساحت‌های زندگیشان هستند.

محله به عنوان کانون خرد و ساختار اصلی شهر می‌تواند با رعایت عدالت فردی و اجتماعی بین ساکنان محله و رعایت تعادل و هماهنگی در اجزاء، عناصر و فضاهای آن و نیز با تأکید بر رعایت حقوق قانونی افراد محله از خدمات و تسهیلات عمومی شهری و محلی توسط نظام مدیریت محله، زمینه تحقق عدالت اجتماعی را در خود هموار نماید. بنابراین توازن در محلات را می‌توان از جنبه‌های گوناگون همچون حفظ حریم‌های فضایی به حرمت حریم‌های اجتماعی، تلازم ماده و معنا، توان تغییرپذیری، خودبسندگی، توازن در ارتباطات داخل محله‌ای و پراکنش کاربری‌های محله، توازن در مسائل اجتماعی و فرهنگی خاص محله، توازن بصری و فضایی آن مطرح کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مقصود از عدالت، رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌هایی می‌باشد که افراد از آن برخوردارند که این رفع تبعیض با ملاحظه تفاوت‌ها بین افراد است.

مدیریت ممله

در گزارش برانت لند سه لایه مهم برای دستیابی به اهداف عدالت اجتماعی عنوان می‌شود؛ برابری و مساوات، حفاظت از محیط زیست و برنامه ریزی فضایی (سطح ملی و محلی) (دیوب، ۱۳۷۷، ۳۱). از نظر هاروی عدالت اجتماعی در شهر باید به گونه‌ای باشد که نیازهای جمعیت شهری را پاسخگو باشد و تخصیص منطقه‌ای منابع را به گونه‌ای هدایت کند که افراد با کمترین شکاف و اعتراض نسبت به استحقاق حقوق خود مواجه باشند از نظر وی مفهوم عدالت اجتماعی در نهایت یعنی «توزیع عادلانه از طریق عادلانه» (هاروی، ۱۳۷۶، ۹۸). توزیع مناسب کاربری‌ها و خدمات شهری عوامل مؤثری هستند که با ارضاء نیازهای جمعیتی، افزایش منافع عمومی و توجه به استحقاق و لیاقت افراد می‌توانند با برقراری عادلانه‌تر، عدالت اجتماعی و اقتصادی و فضایی را در مناطق شهر برقرار نمایند (یغفوری و همکاران، ۱۳۸۲، ۱۴۴).

معیارهای نظام مدیریت محلی را می‌توان در عناوین زیر ذکر کرد:

– حق قانونی برخورداری همه افراد محله از منابع زیست محیطی شامل تعریف ابعاد مجاز حق عمومی دسترسی کالبدی و بصری به عناصر طبیعی با ارزش از قبیل کوهستان‌ها، سواحل، جنگل‌ها، مناظر، منابع انرژی طبیعی، هوای سالم.

– حق قانونی محافظت شدن همه افراد محله از آلودگی‌ها و ناهنجاری‌های محیطی، و خسارات و صدمات اقتصادی، اجتماعی، جسمی و روانی از جمله محافظت افراد از آلودگی‌های تنفسی، آلودگی‌های آشامیدنی، صوتی، بصری و نوری.

– مکانیزم‌های مالی، روش‌های توزیع و بازتوزیع عادلانه، متناسب و منطقی منابع عمومی از نظر جمعیتی و فضایی، حفظ و عرضه انواع متنوعی از واحدهای مسکونی از نقطه نظر مساحت، تراکم، قیمت و کیفیت در محلات مختلف.

همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده. همایش معماری مسجد. دی ماه ۳-۵، (۶۴-۵۱). تهران: دانشگاه هنر.

۱۱. چپ من، دیوید. (۱۳۸۴). *آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان* ساخت. (شهرزاد فریادی و منوچهر طیبیان، مترجمان). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۱۲. حبیب، فرشته. (۱۳۸۸). *تحلیلی از تعامل فرهنگ و کالبد شهر. هویت شهر*، ۳ (۴)، ۸۳-۹۴.

۱۳. خاتم، اعظم. (۱۳۷۵). *قشربندی اجتماعی و تحول محلات تهران*. مجله معماری و شهرسازی، ۳۶ و ۳۷، ۶۷-۷۹.

۱۴. دیوب، اس.سی. (۱۳۷۷). *نوسازی و توسعه: در جستجوی قالب‌های بدیل*. تهران: نشر قومس.

۱۵. رحیمی، لیلا. (۱۳۸۷). *آموزش اخلاق در هنر معماری (ضرورت بحث خدانشناسی برای دانشجویان معماری)* در امیر سعید محمودی. *مجموعه مقالات سومین همایش آموزش معماری*. سومین همایش آموزش معماری. ۱ آبان، (۱۷۶-۱۵۹). تهران: پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران.

۱۶. رئیس دانا، فریبرز. (۱۳۷۵). *رشد تهران و انگاره توسعه ناموزون شهری*. مجله معماری و شهرسازی، ۳۶ و ۳۷، ۷۱-۸۴.

۱۷. سوادکوهی، ساسان. (۱۳۷۹). *سیراندیشه‌های آرمانی معماری و شهرسازی*. تهران: بهراد.

۱۸. شریعتی، علی. (۱۳۵۹). *تاریخ و شناخت ادیان*. تهران: حسینیه ارشاد.

۱۹. طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۴۶). *تفسیر المیزان*. جلد ۱۰، قم: دارالعلم.

۲۰. طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۶۱). *تفسیر المیزان*. جلد ۳۴. تهران: محمدی.

۲۱. غنی نژاد، موسی. (۱۳۷۶). *دین و عدالت. فصلنامه نقد و نظر*، ۳ (۳ و ۲)، ۱-۱۰.

۲۲. قلمبر دزفولی، راما. (۱۳۹۱). *ارزیابی میزان توجه به جایگاه توسعه پایدار محله محور در طرح‌های توسعه شهری، هویت شهر*، ۶ (۱۲)، ۷۱-۷۸.

۲۳. کنفوسیوس. (۱۳۵۷). *مکالمات*. (کاظم زاده ایرانشهر، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۴. لک زایی، نجف. (۱۳۸۱). *اندیشه سیاسی آیت الله مطهری*. قم: بوستان کتاب.

۲۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). *اسلام و مقتضیات زمان*. تهران: صدرا.

۲۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). *مجموعه آثار*. جلد ۱، تهران: صدرا.

۲۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). *سیری در نهج البلاغه*. تهران: صدرا.

۲۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱). *بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی*. تهران: حکمت.

۲۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). *یادداشت‌های مطهری*. جلد ۶، تهران: صدرا.

۳۰. موسوی، میر سعید؛ و رضی منش سرخاب، بابک. (۱۳۹۱). *بازشناسی مفهوم شهر و شهرنشینی از منابع و تعالیم دینی*. *مجموعه مقالات همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی*. همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی. بهمن ۲۰-۱۹، (۷۵-۸۷). مشهد: مؤسسه آموزش عالی خاوران.

۳۱. نقی زاده، محمد. (۱۳۸۵). *معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)*. اصفهان: نظام مهندسی ساختمان استان.

۳۲. هاروی، دیوید. (۱۳۷۶). *عدالت اجتماعی و شهر*. (فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی زاده، مترجمان). تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران.

۳۳. یغفوری، حسین؛ وارثی، حمیدرضا؛ و زنگی آبادی، علی. (۱۳۸۷). *بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی. جغرافیا و توسعه*. (۱۱)، ۱۳۹-۱۵۶.

۲. عادل بودن پروردگار نزد حکمای الهی به این امر است که در نظام تکوین به هر موجودی به اندازه قابلیت آن کمالات وجودی اضافه می‌کند. او از موجودی که استحقاق و قابلیت دارد، منع فیض نمی‌کند. این معنای عدل صرفاً در حوزه کلامی کاربرد دارد.

۳. یکی از مهم‌ترین مباحثی که در ذیل عنوان عدالت اجتماعی قرار می‌گیرد مساوات و برابری است برابری به این معنا نیست که همه افراد جامعه در یک سطح باشند و رشد و ترقی همه آنها در یک سطح باشد بلکه مساوات به معنای برخورداری یکسان افراد جامعه از امکانات جامعه است.

۴. برای برقراری عدالت اجتماعی تمام افراد جامعه و اعضاء هیأت حاکمه باید تابع قوانین باشند یکی از مهم‌ترین اصول رسیدن به عدالت اجتماعی همین رعایت قانون و در نتیجه رعایت مصالح و حقوق دیگران می‌باشد.

۵. از دیگر مؤلفه‌های مهم عدالت، قرار گرفتن هر شخص در جایگاه مناسب و شایسته خویش است، یعنی هر کس بر پایه شایستگی‌ها و لیاقت‌های خود منصوب گردد و از دخالت در وظایف دیگران و انتصاب نابجای افراد به وظایف و مشاغل دوری شود.

۶. شهروندان یک جامعه از دو راه در فرایند سیاسی مشارکت می‌جویند: ۱- فعالیت‌های مشارکت جویانه شامل انتقاد، ارائه نظر، تقاضا و پیشنهاد ۲- فعالیت‌های پیرومنشانه شامل پرداخت مالیات، رفتن به خدمت نظام وظیفه و ...

فهرست مراجع

۱. ———. (۱۳۷۶). *قرآن*. (مهدی الهی قمشبه‌ای، مترجم). تهران: بنیاد نشر قرآن.

۲. افلاطون. (۱۳۵۳). *جمهوری*. (رضا کاویانی و محمد حسن لطفی، مترجمان). تهران: ابن سینا.

۳. اسدی محل چالی، مسعود. (۱۳۹۲). *شناخت شناسی معماری و شهرسازی اسلامی در کنشی دوسویه با روح عصر ما در احد نژاد ابراهیمی و مرتضی میرغلامی*. *مجموعه مقالات منتخب دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی*. دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی. آذر ۶-۷، (۱۶۶۳-۱۶۷۶). تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

۴. اصیل، حجت الله. (۱۳۷۱). *آرمانشهر در اندیشه ایرانی*. تهران: نشر نی.

۵. امین زاده، بهناز؛ و نقی زاده، محمد. (۱۳۸۱). *آرمانشهر اسلام: شهر عدالت*. مجله صفه، (۳۵)، ۳۱-۲۱.

۶. برومندی، بهرخ. (۱۳۷۵). *ارزش تعادل و توازن در باقر آیت الله زاده شیرازی*. *مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*. کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. اسفند ۱۲-۷، (۵۸۸-۵۷۱). جلد ۲. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

۷. بورکهارت، تیتوس. (۱۳۷۲). *روح هنر اسلامی*. (سید حسین نصر، مترجم). تهران: حوزه هنری.

۸. بمت، نجم الدین. (۱۳۶۹). *شهر اسلامی*. (محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولی، مترجمان). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۹. پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۵). *طراحی و تبیین سیستم خط مشی گذاری حق مدار برای تحقق عدالت اجتماعی (بر اساس نهج البلاغه)*. *دو ماهنامه دانشور رفتار*، ۱۳ (۱۷)، ۳۱-۵۶.

۱۰. پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۷۶). *نقش و جایگاه مسجد در برنامه ریزی و طراحی محله‌های شهرهای اسلامی در دبیرخانه همایش*. *مجموعه مقالات*